



زبان‌های نوین ایران

هادی زنگ‌زاد

مقدمه

امروزه در پهنه گسترده‌ای از جهان، زبان فارسی مورد استفاده ملت‌ها قرار می‌گیرد. اگر چه این زبان در طول تاریخ دچار تغییراتی گردیده ولی همچنان یکی از زبان‌های مهم در بخشی از جهان بشمار می‌رود. در این مقاله به بررسی زبان فارسی و گویش‌های مرتبط با آن در گوشه و کنار جهان پرداخته شده است.

زبان و ادبیات ایران پس از تاخت و تاز اعراب، دوران نوینی را آغاز می‌کند، که گرچه دنباله دوره میانه و باستانی بود، ولی از نظر پیمودن راه سادگی و دگرگونی، و از آن روی که پس از آن همه تلاش‌ها توانست پایدار بماند و با نیروی بهتر و بیشتری پدیده‌های فرهنگ کهنسال ایران زمین و

بزرگی‌های منشی ایران را جاودان سازد اهمیت دارد. زبانهای نوین ایران که از قفقاز تا فلات پامیر و از آسیای مرکزی، در ایران و افغانستان و تاجیکستان و قسمتی از هند و ترکستان و قفقاز و بین‌النهرین سخن گفته می‌شود، شاخه‌ها و گویش‌های فراوانی دارد؛ از این میان زبان پارسی نوین با ادبیات پردامنه و اعتبار تاریخی بر سایر زبانها و گرایشهای ایرانی و بر زبان‌های غیر ایرانی به‌ویژه ترکی تأثیر دارد و دارای موقعیت و ارزش خاصی است، این زبان که از قرن سوم هجری تاکنون یگانه زبان رسمی و اداری و ادبی ایران بوده برومندترین شاخه کهنسال زبانهای ایرانی می‌باشد همچنین در افغانستان و تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان - یعنی سراسر ترکستان پیشین، نیز به زبان پارسی سخن گفته می‌شود. در عراق بیش از صد هزار نفر و در عربستان سعودی در شهر مدینه صد و پنجاه هزار نفر و در بندرهای کرانه جنوبی خلیج فارس و دریای مکران و شمال مسقط به زبان پارسی سخن می‌گویند. با اینکه گذشته و پیشامدهای تاریخی، ترک زبانان را میان ما و پارسی زبانان تاجیک قرار داده؛ ولی ادبیات کلاسیک ما با آنان یکی است و همچنان که زبان ما به واژه‌های فراوان عربی و فرنگی آلوده شده، در

پارسی زبان زندگی می‌کنند از این روی پیشینه سرشار سه هزار ساله ادبیات پارسی نشاندهنده انگیزه، آرج والا و بزرگی مقام زبان ما در میان زبانهای دیگر جهان است. نخست، ما از برای آن که نتیجه درستی از بررسی‌های موردنظر داشته باشیم، بهتر است از زبان دری آغاز کنیم. درباره سرچشمه زبان پارسی نوین در میان دانشمندان سازشی نیست؛ برخی آن را با زبان دری یکی دانسته و آن را دنباله پارسی میانه می‌دانند و برخی دیگر گفته مورخان اسلامی، چون ابن مقفع، ابن ندیم و حمزه اصفهانی را می‌پذیرند که باور بر آن بوده که زبانی که امروزه پارسی نوین نام یافته همان زبان دری است که در اواخر دوران ساسانی، زبان رسمی بوده و سرچشمه آن نیز از خاور ایران گرفته شده است. برخی دیگر از دانشمندان عقیده دارند زبان دری زبان مردم خراسان و خاور ایران و بلخ و بخارا و مرو بوده و در دربار تیسفون و در میان درباریان و بزرگان کشور هم بکار می‌رفت. حتی در دوران اسلامی انتشار آن زبان از سوی خاور ایران انجام گرفت؛ امروزه هم در خراسان، افغانستان، بخارا و تاجیکستان، نمونه‌هایی آشکار به شیوه تلفظ و آوای گفتار زبان دری در روستاها موجود است؛ ولی در



همان هنگام زبان مردم باختر، پارسی میانه بوده و بیشتر کتابهایی دینی و ادبی و علمی که در باختر نوشته شده همه به زبان پهلوی بوده است. رویهمرفته پیدایش نوشته‌های پیوسته و پراکنده نظم و نثر دری که آثار رودکی، بلخی، فردوسی، بلعمی و تاریخ سیستان، نمونه‌های زیبا آن است می‌رساند که زبان دری زبان مردم بلخ و بخارا و خراسان و سیستان و زابلستان بوده است. مردم باختر و مرکز، شمال باختری و جنوب باختری نیز

پارسی تاجیکستان نیز واژه‌های فراوان ترکی و مغولی و روسی جای خوش کرده است به طوری که پارسی زبانان تاجیک در نوشتن، الفبایی که پایه آن روسی است به کار می‌برند اما با این همه بررسی‌ها و پژوهش‌هایی که دانشمندان تاجیک در زبان‌شناسی پارسی انجام داده‌اند بسیار با ارزش است؛ در دره فرغانه و زرافشان نیز بیش از چهارصد هزار نفر به پارسی سخن می‌گویند، در پاکستان، در شمال غربی چین، ایالت سین کیانگ نیز عده‌ای



گذشته آثار فراوانی از آن بر جای مانده که معروفتر از همه مرزبان‌نامه از اسپهبد مرزبان بن رستم بن شروین را می‌توان نام برد.

طالبی: زبان مردمی که در گیلان در قسمت‌هایی چون آستارا، ماسال و شالترمن بسر می‌برند طالبی نام دارد.

زبان کردی: زبان کردی یکی از زبانهای بزرگ ایرانی است که در سرزمین کردستان ایران، کردستان عراق و ترکیه و سوریه و در بخشهایی از خراسان، آذربایجان، گیلان، بلوچستان، مازندران، تهران و قزوین استفاده می‌شود. تعداد همه کسانی که به کردی سخن می‌گویند بیش از ده میلیون نفر است. بلوچی: مردمانی که به این زبان سخن می‌گویند در حدود سال سوم هجری در بلوچستان امروزی و مکران جایگزین گشته‌اند. بیش از هفتصد هزار نفر در پاکستان زبانشان بلوچی است. در کرمان و سیستان و لارستان و جنوب افغانستان و در شیخ‌نشین عمان و مسقط و ناحیه شارجه و همچنین برخی از قسمت‌های ترکمنستان نیز به زبان بلوچی سخن می‌گویند.

که تا دیری جز به پهلوی و گویشهای خود سخن نمی‌گفتند و نمی‌نوشتند ولی پس از انتشار نوشته‌های دردی از خراسان به شهرستان‌های دیگر ایران، در زبان آنها نیز دگرگونی پدید آمد و کم‌کم به زبان دردی آشنایی یافتند.

ایرانشناسان براساس بررسی‌های زبان‌شناسی که تاکنون در زبانهای نوین ایران انجام داده‌اند، این زبانها را از روی ویژگی‌های آواشناسی و همانند واژه‌ها و دستور زبان به سه گروه جنوب باختری، شمال باختری و گروه خاوری نوین بخش نموده‌اند. از آن جایی که مقصود ما نیست که در این مقاله از کلیه زبانهای نوین ایران صحبت کنیم بلکه این بحث مفصل‌تر از این است که در چند ورق بگنجد بنابراین مقصود این است که به چند زبان از زبانهای نوین اشاره‌ای کرده باشیم.

- نخست از گروه جنوب باختری: این گروه شامل زبانهای مردم بختیاری و لرستان و گویش‌های تاتی و کوه‌مزاری است؛ زبان پارسی نیز از این گروه می‌باشد.

نخست از زبان بختیاری و لرستان آغاز می‌کنیم: بختیاری و لری دو گویش نزدیک بهم می‌باشند که در لرستان و بختیاری بکار می‌روند. لران که به دو گروه پشت کوه و پیش کوه تقسیم می‌شوند و در منطقه‌ای به نام لر کوچک به سر می‌برند و بختیاران در خاک لر بزرگ، مردم کهکیلویه و ممسنی و فارس نیز به گویش لری سخن می‌گویند. کوه‌مزاری: مردمانی که در جنوب تنگه هرمز و دماغه شمالی عمان بسر می‌برند به گویش کوه‌مزاری که از نفوذ پارسی به دور مانده است سخن می‌گویند.

تاتی: این زبان در شمال شهرستان رشت و برخی از دهکده‌های آذربایجان مانند روئین رزق و جمله گبین و هرزند و در منطقه باکو، در قفقاز بکار می‌رود.

- دومین گروه شمال باختری: این گروه زبان و گویشهای کرانه دریای خزر مانند: گیلکی، مازندرانی، طالبی، زبان‌های زازا و گورانی و گویشهای مرکزی آبادیهای تهران و اصفهان و همدان و نائین و یزد و سمنان و دو زبان وسیع کردی و بلوچی را در بر می‌گیرد.

گیلکی: زبان مردم کشاورز جلگه گیلان است. کسانی که در کوهستان گیلان زندگی می‌کنند و گالش نامیده می‌شوند گویشی نزدیک به گیلکی دارند که گالشی نامیده می‌شود.

مازندرانی: یا طبری که زبان مردم مازندران است در

بدور بماند.

زبان آسی و یا آستی: مردمانی را که در شمال و جنوب کوهستانی قفقاز زندگی می‌کنند آستی یا آسی می‌گویند که زبان آنها از زبانهای ایرانی است در اسناد مورخان رومی از آسی‌ها بسیار یاد شده است. نخست این قوم در خاور دریای خزر بسر می‌برد و پس از چندی به قفقاز کوچ کرد. از این رو زبان بر جای مانده زبان سکائی باستان است و با زبان سفدی و خوارزمی هم پیوند دارد.

زبان نوین زبانی است که دارای طولانی‌ترین تاریخ و سنت ادبی است که گذشته‌ای درخشان دارد و هیچگاه از هنگام جایگزینی آریاییان در این فلات تاکنون، پیوستگی آن به هیچ روی گسیخته نشده و همچنان شهوار و شکوهمند در راه‌رسانی این مرز و بوم گام بر می‌دارد.

منابعی که از برای این مقاله استفاده شده است:

- ۱- کتاب زبان شناسی و زبان فارسی، نویسنده: دکتر خالری ص ۶۵ ص ۶۹ ص ۷۵
- ۲- کتاب هزار سال نثر پارسی چاپ ۱۳۳۵ نویسنده کریم کشاورز ص ۱۵ ص ۱۸
- ۳- کتاب نامه فرهنگ ایران نویسنده فریدون جنیدی چاپ ۱۳۴۴ ص ۱۳۶